رویداد

انصراف از ورود به بازار با انتشار اوراق

احسان محبی، مدیر دارایی تامین سرمایه کاردان گفت: به‌طور کلی، بیشترین تاثیر اوراق قابل انتشار توسط بانک مرکزی بر بازار سرمایه که در حال حاضر بهره آن ۳۰ درصد است و امکان انتشار دوباره آن نیز وجود دارد، بر میزان تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک در بورس است. با توجه به ریسک سرمایه‌گذاری در بورس و وجود انتظارات سودآوری نسبتاً بالا، سرمایه‌گذاران در صورت وجود بازارهای با درآمد ثابت ترجیح می‌دهند به سمت این نوع بازارها جذب شوند. طبیعتاً در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت که روند مثبت بازار در ماه‌های گذشته ادامه پیدا کند. وی ادامه داد: در سال گذشته، انتظار بر این بود که سیاست انتشار اوراق ۳۰ درصدی به صورت کوتاه‌مدت اجرا شود اما تداوم این سیاست برای سال آینده می‌تواند باعث بدبینی و نگرانی نسبت به وضعیت اقتصادی شود. به نظر می‌رسد که بانک مرکزی صرفاً معیار تورم را مد نظر قرار داده و این امر می‌تواند سرمایه‌گذارانی را که به دنبال رونق نسبی بازار بودند، از ورود به آن منصرف کند. این موضوع به نفع بازار سرمایه نیست، اما نباید انتظار داشت که بانک مرکزی صرفاً بازار بورس را در تصمیمات خود در نظر بگیرد. این کارشناس بازار سهام اظهار کرد: اگرچه بانک مرکزی ابزارهایی برای کنترل متغیرهای اقتصادی مانند نرخ بهره در اختیار دارد، اما به نظر می‌رسد که در حال حاضر تمرکز اصلی بر روی مهار تورم است. به این ترتیب، نمی‌توان انتظار داشت که بانک مرکزی صرفاً به دلیل بهبود وضعیت بازار بورس، نرخ بهره را کاهش دهد. به عنوان تحلیلگر و فعال بازار، باید به این موضوع از دیدگاه جامع‌تری نگریست. هر فعال بازار ممکن است انتظار داشته باشد که تصمیمات اتخاذ شده به نفع بازار باشد اما این تصمیمات باید در راستای منافع کل اقتصاد باشد.

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در طلا

جذابیت خرید و فروش طلا برای عموم مردم از گذشته تا به امروز باعث شده است که ابزارهای معامله طلا همواره با تغییراتی همراه شود. در گذشته اغلب مردم برای سرمایه‌گذاری خرید طلای زینتی، واحدهای صنفی را انتخاب می‌کردند؛ با گذشت زمان سکه نیز در میان مردم محبوبیت خاصی پیدا کرد. در ادامه خرید طلای آب‌شده نیز در چند سال اخیر باوجود ریسک‌های بسیار، محبوبیت زیادی پیدا کرد و این روزها برخی از مردم باوجود اینکه اطلاعات و تجربه کافی در این زمینه ندارند، وارد این عرصه می‌شوند. در این میان احتمال خرید طلای تقلبی، سرقت طلا، یافتن محل امن نگهداری طلا، مشکلات فروش زیورآلات سنگین با وزن بالا و هزینه‌های مربوط به مالیات و اجرت ساخت مصنوعات طلا از جمله عواملی بوده که باعث پیدایش روش‌های نوین سرمایه‌گذاری در بازار طلا شده است. سرمایه‌گذاری در صندوق‌های طلا یکی از روش‌های محبوبی بوده که در سال‌های اخیر در میان مردم برای سرمایه‌گذاری در بازار طلا جذابیت زیادی پیدا کرده است. در همین رابطه پیام الیاس کردی، کارشناس بازار سرمایه گفت: در گذشته اغلب مردم برای سرمایه‌گذاری در بازار طلا، عمدتا خرید طلای زینتی و در نهایت طلاهای کم‌اجرت را انتخاب می‌کردند. وی ادامه داد: بعد از طلای زینتی خرید سکه برای مردم جذاب شد، اما افزایش تقاضا در این بازار باعث افزایش حباب در انواع سکه شد که نارضایتی افراد را به همراه داشت از این رو عده‌ای از مردم به طلای آب‌شده روی آوردند. این کارشناس بازار سرمایه تاکید کرد: خرید طلای آب‌شده و سرمایه‌گذاری در این زمینه عمر حدود ۵ ساله دارد و در حقیقت در گذشته مردم عادی به سمت این نوع سرمایه‌گذاری نمی‌رفتند و فقط افراد حرفه‌ای به معامله طلای آب‌شده می‌پرداختند. به گفته الیاس کردی از اواخر سال ۱۴۰۱ صندوق‌های طلا ابزار جدیدی برای سرمایه‌گذاری در حوزه طلا شده و بسیاری از مردم را به سوی خود کشانده‌اند. وی ادامه داد: این صندوق‌ها با وجود دریافت کارمزد، توانستند بسیاری از نیازهای کاربران برای سرمایه‌گذاری در بازار طلا را پاسخ دهند و با وجود مزایای بسیار، افراد زیادی را به سمت خود جذب کنند. این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: هر زمانی که پارامترهای تاثیرگذار در قیمت طلا از جمله نرخ اونس جهانی و دلار افزایشی شود این روند در صندوق‌های طلا نیز تاثیرگذار است و این ابزار همچون بازار سنتی طلا، به مردم سود می‌دهد. تبلیغات خرید از سایت‌ها و پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا نیز مدتی است فراگیر شده و ممکن است بسیاری از مردم این روش را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنند. الیاس کردی با اشاره به فروش آنلاین طلا و تبلیغات گسترده برای سرمایه‌گذاری در این ابزار جدید، عنوان کرد: با توجه به اینکه این ابزار هنوز مجوزهای کامل و پشتوانه لازم برای سرمایه‌گذاری را ندارد خرید طلا در پلتفرم‌های بدون مجوز تهدیدی برای سرمایه‌های مردم محسوب می‌شود و مردم باید مراقب باشند. وی با بیان اینکه هیچ سرمایه‌گذاری بدون ریسکی در دنیا وجود ندارد، عنوان کرد: سرمایه‌گذاران هوشمند معمولا سرمایه خود را به سمت سرمایه‌گذاری‌های کم‌ریسک هدایت می‌کنند. به گفته این کارشناس بازار سرمایه وقتی وارد بازار طلا می‌شویم اصولا سرمایه‌گذاری کم‌ریسک را انتخاب می‌کنیم حال برای اینکه روش‌ها را باهم مقایسه کنیم باید نگاهی به عملکرد این روش‌ها داشته باشیم و در مورد روش‌های جدید نیز با احتیاط به سمت آنها برویم تا متضرر نشویم. به هر روی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها درباره پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا احتمال کلاهبرداری در پلتفرم‌های غیرمجاز است و بسیاری از این ابزارها ممکن است وعده‌های وسوسه‌انگیز ارایه دهند که در صورت پیگیری، مشخص می‌شود که هیچ پشتوانه قانونی یا مالی برای این ادعاها وجود ندارد.

«تعادل» گزارش می‌دهد

بازار سهام در آستانه چالش

بازار سهام اولین روز کاری هفته را با تعطیلی پشت سر گذاشت و نتوانست همانند بازارهای موازی سود ساز باشد؛ این در حالی است که قیمت طلا و دلار همچنان رکورد شکن هستند و هر روز شاهد فتح یک قله جدید در این بازارها هستیم. به دنبال تعطیلی برخی استان‌های کشور، از جمله استان تهران در روز شنبه، ۲۰ بهمن‌ماه، به دلیل برودت هوا و به‌منظور مدیریت مصرف انرژی، بورس تهران، فرابورس ایران، بورس کالا و بورس انرژی نیز در این روز تعطیل بودند.

تعطیلات یا هر مولفه‌ای دیگر این روزها به راحتی روی بازار سهام تاثیر نمی‌گذارد؛ چراکه در وهله نخست P/E بازار سهام پایین است و دومین نکته ارزش دلاری بازار است. در اصل P/E نسبت قیمت سهم (Price) به سود هر سهم (Earning per share) است. محاسبه نسبت پی به‌ای در بورس، یکی از روش‌های رایج ارزش‌گذاری سهام در تحلیل بنیادی است که از طریق آن با تخمین سود خالص شرکت‌ها، ارزندگی سهام بررسی می‌شود. این نسبت عموما برای شرکت‌های تولیدی و سودده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

براساس آمار P/E بازار سهام حدود ۷ است که این عدد در مقایسه با نمودارهای تاریخی بازار بسیار پایین است و به نوعی عدد قابل توجهی نیست. بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که این عدد متناسب با شاخص و شرایط بازار سرمایه نیست و باید با توجه به ماهیت بازار این مولفه نیز روند افزایشی را طی کند.

در حال حاضر P/E بازار سرمایه در آستانه عدد ۶.۲ یعنی کف سال ۱۴۰۱ است و رسیدن به این عدد به معنای واقعی سقوط شاخص است. به نوعی می‌توان گفت که در دوره جدید شاخص‌های بورس تهران رشد قابل قبولی را تجربه کرده‌اند اما در آن شرایط واقعی بازار روند نزولی و اصلاحی داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که P/E بازار سرمایه روند کاهشی دارد و همین موضوع باعث شده که خروج نقدینگی از بازار قوت بگیرد.

احتمالا با چشم‌انداز مثبتی که برای گزارش‌های فصلی جدید و به‌طور کلی گزارش‌های زمستان وجود دارد، به‌نظر می‌رسد رشد سودآوری خوبی را در چهارمین فصل سال نیز شاهد باشیم. در این صورت، قیمت‌ها در بازار سهام می‌توانند به ارزش واقعی خود نزدیک شوند. افزایش تقاضا در گروه بانکی به دلیل خبرهای خوبی که از FATF شنیده شد نیز بر روند بازار موثر بود و جلوی افزایش عرضه‌ها را گرفت. با خبرهای خوب از مذاکرات و کاهش انتظارات تورمی، احتمالا نرخ بهره نیز می‌تواند کاهش نسبی را تجربه کند. در این صورت، می‌توان ارزندگی بازار را با پارامتر نرخ بهره، مورد سنجش قرار داد. البته باید این نکته را در نظر گرفت که افزایش قیمت دلار در بازار آزاد و تغییر مولفه می‌تواند این روند را تغییر دهد و شاهد نزول در بازار باشیم.

برخی از کارشناسان عقیده دارند علت کاهش P/E افزایش فاصله نرخ دلار بازار آزاد و نیمایی (همان دلار توافقی است) به گفته فعالان اقتصادی فاصله میان نرخ دلار بازار آزاد و نیمایی حدود ۳۰ درصد است و این رقم در مقایسه با زمانی که قیمت دلار در محدوده نیمایی و دستوری بود بسیار بالا است؛ این بدان معناست که تبدیل نرخ دلار نیمایی به نرخ دلار توافقی نتوانسته شرایط بهتری برای بازارها رقم بزند.

به‌واسطه تعطیلی در اولین روز کاری هفته قیمت دلار توافقی تغییر چندانی نداشت و همان رقم ۶۸ هزار و ۹۹۶ تومان باقی بماند؛ اما در سوی دیگر قیمت دلار در بازار آزاد روند صعودی داشت و در میانه معاملات روز شنبه و در زمان تنظیم این گزارش به عدد بیش از ۸۹ هزار تومان رسید.

این افزایش قیمت دلار می‌تواند تاثیر منفی روی بورس و از همه مهم‌تر بر P/E بازار داشته باشد و شرایط بدی را برای بازار رقم بزند. به نظر می‌رسد که در کوتاه‌مدت به واسطه افزایش قیمت دلار در بازار آزاد شاهد روند نزولی در بورس باشیم.

تاثیر منفی P/E بر اقتصاد

کاهش P/E می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران تازه وارد به بازار را تغییر دهد اما از سوی دیگر برخی از سرمایه‌گذاران کهنه کار پیش بینی می‌کنند که به علت کاهش P/E سودسازی شرکت‌ها نیز کاهش یابد و بدین واسطه شاهد خروج نقدینگی از بورس تهران خواهیم بود. به‌طور کلی در هر بازاری زمانی که سرمایه‌گذاران احساس کنند قرار است سود کاهشی باشد از این بازار خارج می‌شوند. از سوی دیگر شرکت‌هایی که P/E پایین‌تری دارند ممکن است با کاهش ورود سرمایه روبه رو شوند. به نوعی با توجه به P/E پایین این شرکت‌ها سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند که در ان نمادها سرمایه‌گذاری نکنند و در نتیجه این موضوع موجب کاهش نقدینگی و فعالیت‌های تجاری آن شرکت می‌شود.

به گفته کارشناسان پایین بودن P/E بازار سرمایه در میان مدت نوسانات بسیار زیادی برای بازار سرمایه ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که با عدم قطعیت‌ها نقدینگی نیز به مرور از بازار سهام خارج شود. در اصل به گفته کارشناسان P/E پایین مساوی با افزایش نوسان است. همچنین گفته می‌شود که P/E نشان‌دهنده رشد منفی اقتصادی است. به نوعی P/E پایین ورود نقدینگی به شرکت ها و صنایع را تا حدودی کاهش می‌دهد و زمانی که صنایع با رشد اقتصادی منفی روبه رو باشند شاهد تاثیر منفی آن روی کلیت اقتصاد خواهیم بود و به معنای واقعی یک مولفه می‌تواند به‌طور کامل شرایط اقتصادی کشور را تغییر دهد.

مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عامل رشد هر بازاری در هر گوشه جهان، اعتماد خریداران است؛ همچنین بورس نیز به عنوان آیینه تمام نمای اقتصاد، از این قاعده مستثنی نیست. از ابتدای بهمن ماه سال جاری، ایراد اصلی وارد به بازار سرمایه، عدم اعتماد سهامدار به اطلاعات مالی منتشره توسط برخی ناشران بورسی، مشخصا سهام اصلی گروه خودروسازی بود. بازار سرمایه ایران که از یک طرف به واسطه اقتصاد دستوری کشور، از ماهیت «بازار آزاد» خود دور مانده است و از طرفی به‌واسطه تحریم‌های ظالمانه، در کسب و کار خود دچار چالش‌های جدی است، هم‌اکنون با دارندگان رانت دست به گریبان است. این بازار به عنوان بازار رقیب در مقابل سایر بازارهای مالی قرار گرفته است که در حال رکوردزنی‌های مستمر است. همچنین افزایش نرخ بهره بانکی، افزایش قیمت طلا، رشد مستمر قیمت دلار و غیره رقیبانی قدرتمند برای این بازار به شمار می‌آیند و به نظر می‌رسد بازار سرمایه، در کوتاه‌مدت قادر به رقابت با این بازارها نباشد.

اینکه مولدترین بازار یک کشور به واسطه عدم مدیریت صحیح و حکمرانی اشتباه شرکتی در نظام اقتصادی کشور، قادر به تامین حداقل نیاز بنگاه‌های تجاری کشور نباشد، باعث شده است نیاز کشور به نظارت بر عملکرد درست اقتصادی، بیشتر از قبل مشخص شود. همچنین شرایط حاکم بر اقتصاد، عملکرد ضعیف دولت در حمایت از بخش مولد اقتصادی، عدم هماهنگی لازم بین بازار پول و بازار سرمایه، کاهش افسار گسیخته قدرت پول ملی و بیم عدم دستیابی به درآمد پیش بینی شده در لایحه بودجه دولت باعث شده است تا بازار سرمایه شاهد افزایش عرضه سهام توسط سهامداران باشد.

تصدی‌گری دولت و بورس انرژی

تصدی‌گری دولت و عدم حمایت از خرده‌فروشان، مانع از رقابت و پایداری بازار شده است. دستورالعمل‌های فعلی نیز به اندازه کافی از خرده‌فروشان حمایت نمی‌کنند و بیشتر به نفع بورس انرژی است. بهبود وضعیت پیشنهاداتی مانند کاهش تصدی‌گری دولت، شفاف‌سازی بیشتر در بورس انرژی و حمایت بیشتر از خرده‌فروشان ارایه می‌دهد و به عدم وجود مشوق‌های کافی برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و پیچیدگی قیمت‌گذاری برق اشاره می‌کند.

مجید کشاورز، عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا صنعت برق با اشاره به ظرفیت‌های خرده‌فروشان در صنعت برق، بر لزوم حمایت از این بخش برای تقویت رقابت و پایداری بازار تأکید کرد و گفت: ایجاد بسترهای شفاف و کاهش تصدی‌گری دولت می‌تواند به رونق سرمایه‌گذاری و بهبود تعادل در بازار برق کشور منجر شود.

مجید کشاورز با بیان اینکه یکی از ضروریات برای ایجاد سازوکاری کارآمدتر در تجارت برق، توجه به همه بازیگران این عرصه است و خرده‌فروشان یکی از این بازیگران بوده‌اند که به رغم قابلیت‌های متعدد و قابل توجه در بازارهای مربوط به معاملات برق، هنوز جایگاه و کارکردهای ثمربخش آنها برای تسهیل تعادل در روند این معاملات در بازار برق و بورس انرژی ایران تبیین نشده است، گفت: این موضوع پیش از هر چیز ناشی از نقش کمرنگ آنها در قوانین و مقررات مربوط به تجارت برق کشور بوده است.

وی افزود: تجارت نوین برق در ایران به واسطه عمر نسبتا کوتاهی که از شروع تحولات ناشی از خصوصی‌سازی صنعت برق دارد، با مشکلات زیادی روبرو است که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ممانعت وزارت نیرو از خصوصی‌سازی واقعی صنعت برق، یا به عبارت دیگر تصدی‌گری دولت در این حوزه است.

عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا صنعت برق با بیان اینکه یکی از نتایج سیاست‌های نادرست، نادیده گرفته‌شدن خرده‌فروشان به عنوان یکی از بازیگران مهم صنعت برق از سوی وزارت نیرو (به‌طور مشخص‌تر شرکت توانیر) است، گفت: به‌طور کلی جلوگیری از رقابتی شدن صنعت برق و دخالت‌ها و تصدی‌گری دولت در صنعت برق، موجب عدم رغبت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه و متعاقبا افزایش ناترازی می‌شود.

کشاورز با بیان اینکه مفاد دستورالعمل توسعه مبادلات برق به وضوح نشان می‌دهد که در این دستورالعمل خرده‌فروشان جایگاه مناسبی ندارند و دستورالعمل اخیر به اشاراتی جزیی به نقش شرکت‌های خرده‌فروش اکتفا کرده است، اظهار کرد: به نظر می‌رسد هدف اصلی از ابلاغ این دستورالعمل صرفا رونق بورس انرژی بوده؛ این در حالی است که افزایش معاملات در بورس انرژی و اخذ کارمزد بیشتر بدون توجه به مشکلات فنی مترتب بر این معاملات و عواقبی که گریبانگیر عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان خواهد شد، در درازمدت مشکلاتی را برای بخش خصوصی به همراه خواهد داشت.

به گفته وی متاسفانه بیشترین حجم عملیاتی و ریسک در معاملات این دستورالعمل، متوجه خرده‌فروشان است و این امر موجب می‌شود خرده‌فروشان انگیزه لازم برای گسترش فعالیت خود را از دست بدهند.

با اینکه هدف اصلی وزارت نیرو از تدوین این دستورالعمل گسترش شفافیت و کشف نرخ برق بوده و پرواضح است که هیچ بازیگری در صنعت برق مخالف ایجاد بستر شفاف در معاملات نیست، اما تجربه‌های معاملات انجام‌شده در بورس انرژی نشان می‌دهد این بستر، از شفافیت مد نظر وزارت نیرو نیز برخوردار نیست و از سوی دیگر بورس انرژی به‌شدت تحت تاثیر شرکت توانیر بوده و از بازار عمده‌فروشی برق سیگنال می‌گیرد، لذا ابزار مناسبی برای کشف قیمت نخواهد بود. عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا صنعت برق با بیان اینکه با توجه به جمیع چالش‌ها و مشکلات فوق، به نظر می‌رسد تغییرات در این حوزه باید با توافق همه بازیگران کلیدی صنعت، سلب قدرت از نهادهای دولتی وزارت نیرو و در محیطی منصفانه تدوین شود، گفت: متاسفانه این شرایط در دستورالعمل کنونی قابل مشاهده نیست و انتقاداتی از سوی فعالان این حوزه به این دستورالعمل مطرح می‌شود.

کشاورز با بیان اینکه خرده‌فروشان می‌توانند نقش مهمی در اشاعه و گسترش منطقی و اقتصادی تجارت برق ایفا کنند، در کشور ما این خرده‌فروشی عمر چندانی ندارد و متاسفانه تاکنون نقش این بازیگر نادیده گرفته شده است، اما اقدامات مفیدی نیز برای تقویت این عنصر صنعت برق نیز انجام پذیرفته است، گفت: شرکت مدیریت شبکه برق ایران به عنوان ناظر بی‌طرف بازار برق تاکنون حمایت‌هایی برای حضور پررنگ‌تر این خرده‌فروشان در تجارت برق انجام داده است، به عنوان مثال اعطای مجوز خرید و فروش برق در تابلوی سبز و تابلوی آزاد بورس انرژی، امتیاز بزرگی به این شرکت‌ها در راستای تقویت آنها بوده است و این شرکت‌ها نیز با توجه به چابک بودن و سرعت بالا در تطبیق با قوانین جاری صنعت برق، رونق خوبی به تابلوهای جدید بورس انرژی داده‌اند.

عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکای صنعت برق با بیان اینکه موضوع ضرورت خروج وزارت نیرو (شرکت توانیر) از فعالیت در حوزه تجارت برق، توسط بخش خصوصی مکررا اعلام شده است. مادامی که قدرت بازار در دست وزارت نیرو باشد، رقابت واقعی در خصوصی‌سازی صنعت برق معنی ندارد و سازوکار تجارت برق همچنان با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد بود، گفت: در حال حاضر وزارت نیرو برق را با قیمت نازل از نیروگاه‌های حرارتی خریداری می‌کند و با نرخی تقریبا معادل ۶۰ درصد نرخ متوسط قرارداد خرید تضمینی (ECA) به مشترکین (به صورت میانگین همه مصارف کشور) به فروش می‌رساند. به گفته وی بنابراین رقابت با این بازیگر برای بخش خصوصی تقریبا ناممکن خواهد بود. واگذاری شرکت‌های توزیع برق به بخش خصوصی در بخش فنی و مهندسی (غیر از تجارت برق) و اعطای مجوز و حمایت از گسترش حیطه فعالیت خرده‌فروشان تا سطح خانگی و عمومی شاید در میان‌مدت بتواند بخشی از معضلات این حوزه را مرتفع کند.

وی اظهار کرد: قاعدتا در کشورهای صاحب نظر در مدل‌های سرمایه‌گذاری صنعت نیروگاهی و پیشرو در بازار برق، از مشوق‌ها و ابزارهای مشخصی همچون گواهی ظرفیت و قراردادهای تضمینی خرید برق به منظور ترغیب سرمایه‌گذار و بازگشت سرمایه در این حوزه استفاده می‌شود، متاسفانه در کشور ما به رغم آنکه ظرفیت استفاده از ابزارهای متنوعی برای بازگشت سرمایه وجود دارد، به علت عدم تدوین رویه‌ای ثابت برای بازگشت سرمایه، هر روزه شاهد کاهش رغبت برای سرمایه‌گذاری در این حوزه هستیم و نتیجه این رویه چیزی جز افزودن به میزان ناترازی مصرف برق کشور نیست.

عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکای صنعت برق با بیان اینکه ایجاد بسترهای جدید قیمتی به عناوین مختلف موجب ایجاد مشکلاتی می‌شود، گفت: ایجاد انواع تابلو با قیمت‌های متفاوت و متنوع برای کالایی که در نهایت از یک کیفیت برخوردار است، غیر مرسوم و برای خریداران و مصرف‌کنندگان برق، سردرگمی به همراه خواهد داشت. این مدل از قیمت‌گذاری‌ها در بلندمدت کارایی خود را از دست خواهد داد و هدف اصلی که احداث نیروگاه جدید با راندمان بالا و ترغیب سرمایه‌گذاران برای گسترش فعالیت خود بوده، مغفول خواهد ماند.

اخبار

اختلاف دلار توافقی و دلار آزاد

بهناز اکبرپور کارشناس بازار سرمایه گفت: ارزش دلاری بازار طی روزهای اخیر به محدوده ۱۲۵ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده وضعیت کنونی بازار است. این رقم مشابه مقادیر اسفند ماه سال ۱۴۰۱ و دی ماه ۱۳۹۸ است. این کاهش نسبت به سال گذشته و مقایسه با سقف اردیبهشت ۱۴۰۲، نشان‌دهنده عقب‌ماندگی بازار از تورم است. اکبرپور در ادامه به دلایل کندی روند صعودی بازار اشاره کرد و افزود: بازار سرمایه از نوزدهم دی ماه امسال وارد روند فرسایشی شده است و حتی گزارش‌های خوب ۹ ماهه برخی صنایع، مانند بانکداری، نتوانست تاثیر زیادی بر جهت بازار بگذارد. به‌نظر می‌رسد عدم کاهش جدی نرخ بهره یکی از دلایل اصلی این روند باشد. وی ادامه داد: دولت در شرایط فعلی در یک چرخه گرفتار شده است. نرخ نقدینگی در پایان آبان سال ۱۴۰۳ به مبلغ ۹۳۹۲ همت رسید که نسبت به آبان سال قبل ۲۸ درصد رشد داشته است. از سوی دیگر، نرخ دلار با رشد نقدینگی سالانه ۳۰ درصدی همراه خواهد بود. در این شرایط، کاهش نرخ بهره ریسک‌هایی به همراه دارد؛ زیرا باعث می‌شود نقدینگی از بانک‌ها و صندوق‌های درآمد ثابت به بازارهای موازی مانند ارز و سکه منتقل شود، که ممکن است تورم شدیدی را ایجاد کند. این تحلیلگر بازار سرمایه به گزارشات عملکرد ماهانه دی ماه اشاره کرد و اظهار داشت: انتظار می‌رفت که انتقال ارز از سامانه نیما به سامانه ارز توافقی که در انتهای آذر ماه انجام شد، اثرات خود را در گزارشات دی ماه شرکت‌های صادراتی نشان دهد. اما محدودیت‌های تولید و قطعی گاز، این فرصت را از شرکت‌ها گرفت و گزارشات مطابق با پیش‌بینی‌ها پیش نرفت. اکبرپور در بخش دیگری از صحبت‌های خود به اختلاف میان دلار توافقی و دلار بازار آزاد اشاره کرد و گفت: دلار توافقی در روزهای اخیر سرعت رشد قبلی خود را از دست داده یا حتی با کاهش کمی روبرو شده است. در حال حاضر، این اختلاف با دلار بازار آزاد حدود ۲۱ درصد است و به نظر می‌رسد که با انتقال ارز از سامانه نیما به سامانه ارز توافقی، تغییری در این اختلاف رخ نداده و نرخ ارز یکسان‌سازی نشده است. لازم است که سرعت رشد دلار توافقی افزایش یابد وی در ادامه اظهار داشت: با فرض میانگین دلار توافقی ۶۵ هزار تومان، کل سود خالص شرکت‌های بورسی حدود ۱۶۰۰ همت برآورد می‌شود. با توجه به ارزش بازار فعلی سهم‌ها، پی برای فعلی بازار به ۶.۷ واحد کاهش یافته است که بسیار نزدیک به کف پی برای ۶.۲ واحدی سال ۱۴۰۱ است. از لحاظ بنیادی، بازار از نظر ریسک خاصی در حال حاضر مشکلی ندارد اکبرپور در مورد صندوق‌های طلا نیز گفت: از ۲۹ دی ماه تا امروز، شاهد ورود نقدینگی حقیقی به صندوق‌های طلا بوده‌ایم. حتی در روز ۱۴ بهمن ماه نیز رکورد ورود نقدینگی به این صندوق‌ها شکسته شد و مبلغ آن به حدود ۱.۱ همت رسید. وی در پایان افزود: با توجه به رشد سالانه دلار و نقدینگی کشور، اگر اتفاق سیاسی خاصی در کشور نیفتد، می‌توانیم بگوییم که بازار سهام در شرایط بهتری نسبت به رقبای خود قرار دارد و انتظار بازدهی بهتری از این بازار داریم. در نهایت، بسیاری از نمادها در محدوده‌های فعلی کف مناسبی ساختند و اگر اتفاقات سیاسی خاصی رخ ندهد، افت بیشتری برای بازار متصور نیستیم. اکبرپور با تاکید بر اینکه اگر مسوولان اقدام جدی برای کاهش نرخ بهره انجام دهند، شاخص بورس می‌تواند در سال جاری به محدوده سه میلیون واحد نیز برسد، اظهار امیدواری کرد که روند بازار بهبود یابد.

پاشنه آشیل مشکلات بازار سرمایه

صدای بورس | وحید شقاقی شهری -اقتصاددان- نوشت: بازار سرمایه پس از سقوط سال ۱۳۹۹، شرایط بحرانی و فاجعه‌باری را تجربه کرد. بر اساس آمارها، تعداد کدهای معاملاتی فعال به کمتر از ۷۰ هزار کد رسید که نشان‌دهنده خروج گسترده سهامداران از بازار و باقی ماندن تنها تعدادی حقوقی و معدودی حقیقی بود. در این دوره، قیمت سهام به پایین‌ترین سطح خود رسید و عملا بازار سرمایه دچار رکود شد. در دولت سیزدهم نیز عملکرد رییس سازمان بورس با انتقاداتی مواجه بود. وزارت اقتصاد و سازمان بورس، توجه کافی به پیام‌ها و انتقادهای فعالان بازار نداشته و پاسخگویی مناسبی وجود نداشت. در حال حاضر بسیاری از سهام بین ۴۰ تا ۵۰ درصد رشد ارزش داشته‌اند و شاخص کل بازار نیز از حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار واحد رسیده است. همچنین، عرضه اولیه سهام شرکت فولاد سیرجان با استقبال گسترده‌ای مواجه شد و حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر سهام «سیسکو» را خریداری کردند که پس از ۴ سال، نشانه‌ای مثبت برای بازار به شمار می‌رود. باید توجه داشت که وزیر اقتصاد نیز تلاش‌های قابل توجهی برای رفع مشکلات ساختاری بازار سرمایه انجام داده است. از جمله این اقدامات می‌توان به مذاکرات مستمر با بانک مرکزی در خصوص نرخ سود، تلاش برای ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در متغیرهای اثرگذار مانند نرخ خوراک، حذف تصمیمات ناگهانی که به بازار آسیب می‌رساند، و همچنین حذف نرخ نیما اشاره کرد. وضعیت بازار سرمایه به‌طور مستقیم به گزارش‌های سودآوری و تحلیل‌های بنیادی شرکت‌ها وابسته است. با توجه به قطعی برق و گاز صنایع، وضعیت بسیاری از شرکت‌ها مناسب نیست که این مساله تا حد زیادی خارج از حوزه اختیارات وزارت اقتصاد است. با این وجود، این وزارتخانه تلاش کرده است تا موانع و چالش‌های تأثیرگذار بر صورت‌های مالی شرکت‌ها را برطرف سازد. در نتیجه این اقدامات، بازار سهام تا حدودی به شرایط عادی بازگشته و از وضعیت نامناسب سه سال اخیر خارج شده است. ضروری است که چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران حل شود و وزارتخانه‌های صمت، نفت و نیرو به وظایف خود در قبال بنگاه‌های اقتصادی کشور عمل کنند و مسائل مربوط به ناترازی‌ها برطرف شود.